



بازخوانی چند سند منتشر نشده در باره‌ی تنگناهای معیشتی دانشجویان دانشسرای عالی

حکایت هم چنان باقی‌ست...



سیدحسین سراجزاده
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

برخی از اسنادی که در مرکز اسناد و مدارک موزه دانشگاه خوارزمی (دانشرای عالی اسبق و دانشگاه تربیت معلم سابق) وجود دارد، نشان می‌دهد این مشکل، حکایت دیرپای آموزش عالی مدرن ایران بوده است. در راستای این بحث، مرور چند سند از این اسناد جالب توجه است:

گویاترین سند نام‌هی محرمانه‌ای است که در سال ۱۳۴۱ دکتر اسماعیل فیلسوفی، سرپرست دانشسرای عالی برای مهندس جعفر شریف‌امامی، مدیر عامل بنیاد پهلوی، می‌نویسد و از او درخواست می‌کند که بنیاد بودجه‌ای برای کمک به دانشجویان نیازمند در اختیار آن دانشگاه قرار دهد (سند شماره ۱). این درخواست البته اجابت نمی‌شود (سند شماره ۲). متن نامه دلالت‌های اقتصادی اجتماعی و سیاسی قابل توجه و عبرت‌آموزی دارد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تصویری که از فقر و ناداری گسترده دانشجویان ترسیم می‌کند: «نکته‌ای را که می‌خواهم به عرض آن جناب برسانم این است که اغلب این دانشجویان تنگدست می‌باشند و از لحاظ امرار معاش در نهایت عسرت به سر می‌برند.» استفاده از کلمات «اغلب» و «نهایت عسرت»، هرچند ممکن است متناسب با هدف نامه، مبالغه‌ای برای جلب نظر مخاطب باشد، گویای گستردگی دشواری معیشت دانشجویان بوده است.

۲. زبان مردسالار و نادیده‌انگاشتن زنان دانشجویان: درحالی‌که در آن زمان شماری قابل توجهی از دانشجویان دانشسرای عالی (حدود سی درصد)، دختران و زنان بوده‌اند، اما در متن نامه‌ی سرپرست دانشسرا کلاً نادیده‌گرفته شده‌اند؛ به‌طوری‌که در صدر نامه آمده است: «تمامی سعی و مجاهدت خود را مصروف بدان داشته‌ام تا آقایان دانشجویان بتوانند با فراغت خاطر به تحصیل اشتغال ورزند.»

۳. شکاف بین فرهنگ اداری رسمی با گرایش‌های غالب سیاسی دانشجویان: عبارت‌هایی مثل «... خود را برای خدمت به شاهنشاه معظم و... آماده و مهیا سازند»، «مراتب رضامندی خاطر مهر مظاهر بندگان اعلیحضرت همایون شاهنشاه را از فعالیت‌های دانشسرای عالی ابلاغ فرموده‌اند» و «... تا در ظل عنایات شاهنشاه عظیم الشان بتوانند به تحصیل خود ادامه دهند»، در متن نامه یک‌صفحه‌ای در حالی به کار رفته و تکرار شده‌اند که همه‌ی شواهد تاریخی حاکی از آن است که بعد از کودتای مرداد ۱۳۳۲ بخش قابل ملاحظه‌ای از دانشجویان از منتقدان جدی نظام سیاسی بوده‌اند و سال‌های ۱۳۳۹ تا ۱۳۴۲ (که این نامه در آن دوره نوشته شده) یکی از دوره‌های بالاگرفتن اعتراضات اجتماعی نیروهای مبارز مذهبی، ملی، و چپ ایران بوده و دانشجویان دانشگاه‌های تهران، از جمله دانشسرای عالی در آن‌ها نقش و مشارکت تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. این‌ها نشانه‌ی آن است که بخش اداری و رسمی دانشگاه در عین این‌که به یکی از اصلی‌ترین ارزش‌های آکادمیک، یعنی استقلال نهاد دانشگاه از نهاد قدرت سیاسی، اساساً بی‌توجه بوده است، با فضای سیاسی دانشجویی هم فاصله زیادی داشته است. این البته به این معنی نیست که مدیران دانشگاه‌ها، شخصاً با فضای سیاسی دانشجویی کلاً بیگانه بوده‌اند، بلکه این فرهنگ رسمی نهادینه‌شده‌ی دانشگاه بوده که به عنوان بخشی از نظام دیوان‌سالاری ایران تابع فرهنگ رسمی سیاسی و بیگانه با فضاها و فرهنگ سیاسی دانشجویی بوده است.

دانشجویانی که به طبقات زیر متوسط و پایین جامعه تعلق دارند، زمانی که وارد دانشگاه می‌شوند، بی‌تردید یک رقابت نابرابر را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند چرا که با وجود محرومیت از همه‌ی امکانات پیش‌دانشگاهی که فرزندان طبقات بالا از آن برخوردار بودند، توانسته‌اند با اتکا به سخت‌کوشی و استعداد شخصی، سدکنکور را پشت سر بگذارند. اینان زمانی که در دانشگاه هم هستند، معیشت خود و خانواده و تأمین مسکن خود در شهرهای بزرگ دانشگاهی هم برای‌شان مسئله‌ای است که ذهن و ضمیرشان را سخت درگیر می‌کند.

اداره
شماره ۲۷۱۰۳
تاریخ ۱۳۰۴/۰۱/۲۵
پیوست

دانشسرای عالی

محرمانه
جناب آقای مهندس س. شریف امامی مدبر عامل محترم
بنیاد پهلوی

محترماً معروض میدارد از موقعی که اینجانب به سرپرستی دانشسرای عالی انتخاب شده‌ام تمامی سعی و مجاهدت خود را مصروف بدان داشته‌ام که محیطی مرتب و منظم پدید آورم تا آقایان دانشجویان بتوانند با فراغت خاطر به تحصیل اشتغال ورزند و خود را برای خدمت به شاهنشاه معظم و مهین عزیز فرهنگ کشور آماده و مهیا سازند.

خوشبختانه در این راه توفیق کامل نصیب اینجانب گشته است و اینک چند هزار دانشجویان در دوره‌های مختلف فوق لیسانس و لیسانس روزانه و شبانه این مؤسسه به تحصیل اشتغال دارند و از هر جهت اسباب رضایت خاطر اولیای امور فراهم می‌سازند. کما اینکه جناب آقای علاء وزیر محترم در رساله شاهنشاهی طی نامه‌ای مراتب رضامندی خاطر مهربانانه هر یک از اعلیحضرت همایون شاهنشاه را از فعالیتهای دانشسرای عالی ابلاغ فرموده‌اند.

نکته‌ای را که می‌خواهم به عرض آن جناب برسانم اینست که اغلب این دانشجویان تنگدست می‌باشند و از لحاظ امرار معاش در نهایت عسرت به سر می‌برند. بنابراین خواهشمند است امر و فرموده‌ای پند که بنیاد پهلوی مبلغ یک میلیون ریال در اختیار اینجانب بگذارد تا به عده‌ای از این دانشجویان که سبب استحقاق بیشتری دارند و احساسات میهن پرستانه آنان در طی مدت تحصیل به ثبوت رسیده است و در آینده عناصر خوبی در خدمت فرهنگ کشور خواهند بود کمک لازم به عمل آورد تا در ظل عنایات شاهنشاه عظیم الشان بتوانند به تحصیل خود ادامه دهند. موجب مزید تشکر و امتنان خواهد بود.

۲۷۱۰۳
۱۳۰۴/۰۱/۲۵

رونوشت پیرومذکرات شفاهی برای استحضار جناب آقای اشرف احمدی معاون محترم هیئت وزیران
ارسال میشود - م

با تقدیم احترامات فائقه
دکتر اسماعیل فیلسوفی
سرپرست دانشسرای عالی

دکتر اسماعیل فیلسوفی
سرپرست دانشسرای عالی

سند منتشر نشده شماره ۱. نامه اسماعیل فیلسوفی به جعفر شریف امامی/ از موزه دانشگاه خوارزمی

ما شاء الله
٨٢، ٧، ١٥

بسم الله الرحمن الرحيم

[illegible]

اسندهای منتشر نشده ۳، ۴ و ۵. نامه‌های درخواست کمک دانشجویان از ریاست دانشسرا از موزه دانشگاه خوارزمی

میا دھپلوی
حرمانہ

دار و در قریب خانه در این روز

کسانی که با دانشجویان سروکار دارند نیک می‌دانند که هنوز هم تقریباً همدی دانشجویان شهرستانی که خانواده‌شان توان حمایت از آن‌ها در طول تحصیل را ندارند با چنین مشکلی روبه‌رو هستند و رویکرد اقتصاد بازار به آموزش عالی که چندین سال است رو به گسترش بوده، و هم چنین شرایط دشوار اقتصادی در سال‌های اخیر، مشکل آنان را دوچندان کرده‌است. انتظار می‌رود نظام آموزش عالی با مکانیسم‌های حمایتی، مثل تأمین خوابگاه ارزان، اشتغال پاره‌وقت، کمک‌هزینه و وام تحصیلی و مسکن، و تدارک بورس تحصیلی دولتی و خصوصی مشکل معیشت چنین دانشجویانی را به‌صورت آبرومندانه‌ای برطرف کند. در این بین، بورس‌های تحصیلی دولتی و خصوصی توسط شرکت‌ها و سازمان‌ها و افراد نیکوکار، که در نظام آموزش عالی کشورهای توسعه‌یافته‌ی مغرب‌زمین بسیار رایج است، در جامعه‌ی ایران چندان مورد توجه قرار نگرفته است و ضروری‌ست در این زمینه مطالعه و برنامه‌ریزی مؤثری صورت گیرد.